

تحلیل راهبردی تربیت جنسی در ایران با استفاده از روش CLA

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰

یاور عیوضی

عضو هیات علمی مرکز پژوهشی مبنا ya.eivazy@chmail.ir

چکیده

نگاهی جامعه‌شناختی به تغییر و تحولات جوامع بیانگر آن است که هیچ‌یک نیاز و قوه انسانی بیش از قوه جنسی در کانون توجه فرهنگ با هدف مهار، نظارت و هدایت نبوده است؛ امری که در جوامع دینی نمود بیشتری نیز داشته است؛ از این رو مدل‌سازی تربیت جنسی متناسب با اقتضائات و ملاحظات فرهنگی و از سوی دیگر آسیب‌شناسی الگوهای رایج تربیت جنسی، ضرورتی بی‌همتاست. با در نظر گرفتن چنین ضرورتی، نوشتار حاضر سعی دارد با بهره‌گیری از روش تحلیلی لایه به لایه علی و با اتکا به ظرفیت‌های پژوهشی و نخبگانی، ضمن آسیب‌شناسی، گره اصلی و راهبردهای اولویت‌دار را شناسایی و عرضه کند. در این راستا ۶۲ سند پژوهشی و ۸ مصاحبه انجام و واکاوی شده‌اند. مهم‌ترین ابزارهای گردآوری اطلاعات نیز فرم استخراج مطالب و پرسشنامه نیمه‌ساخت یافته است.

در این نوشتار، فضای علی و راهبردی ابتدا در چهار لایه لیتانی، سیستمی، گفتمانی و اسطوره‌ای بررسی شده‌اند و سپس تجویزهای راهبردی، همسو با هر کدام از لایه‌ها، طرح و صورت‌بندی شده‌اند.

واژگان کلیدی:

تربیت جنسی، تحلیل لایه به لایه علی، راهبردی.

مقدمه

تربیت به معنای پروراندن، رشد دادن، هدایت کردن در مسیری مشخص و به فعلیت رساندن است. در لغت نیز مصدر فعل «ربی» و «یربی» از ماده «ربو» است. می‌توان آن را پرورش دادن قوای روحی و جسمی برای رسیدن به کمال مطلوب دانست یا آنکه

ایجادکننده صفات پسندیده و ملکات فاضله شمرد (ر.ک: مدنی، ۱۳۸۶). طبیعتاً تربیت و مطلوب نظرهای آن ملهم از زیرساخت‌ها و بافت‌های فرهنگی آن جامعه است؛ ازاین‌رو در یک جامعه دینی، تربیت رنگ دینی می‌یابد و ابعاد و شاخصه‌های خود را از آن الهام می‌گیرد؛ بنابراین غایت تربیت اسلامی نزدیک کردن انسان به اهداف و آرمان‌های تعبیه شده در برنامه دینی و ربانی شدن و رنگ خدایی یافتن است (ر.ک: باباخانی، ۱۳۹۳)؛ بنابراین تربیت به مجموعه اعمال عمدی و هدف‌دار به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به گونه‌ای که آن افراد به عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند شوند، اطلاق می‌شود (ر.ک: حیدری‌نیا، ۱۳۹۳).

با توجه به تنوع قوا و نیازهای درونی انسان، تربیت و به فراخور آن، تربیت دینی نیز چندبعدی است. به این دلیل است که امروزه در مکاتب و نظریات تعلیم و تربیت با ساحت‌ها و حوزه‌های گوناگون روبه‌رو می‌شویم. از آنجایی که یکی از قوای بنیادین انسانی، قوه جنسی است، تربیت جنسی صاحب جایگاه و ضرورت می‌شود.

نگاهی جامعه‌شناختی به تغییر و تحولات جوامع بیانگر آن است که هیچ نیاز و قوه انسانی بیش از قوه جنسی در کانون توجه فرهنگ با هدف مهار، نظارت و هدایت نبوده است؛ امری که در جوامع دینی نمود بیشتری نیز داشته است؛ بنابراین به منظور اجتناب از چالش‌ها و مسائل متبلا به و پرورش صحیح چنین قوه و ظرفیتی متناسب با اقتضائات درونی خویش، جامعه باید سازوکارهای سیاسی و مدیریتی تدبیر کند.

پژوهش حاضر با در نظر گرفتن چنین ضرورتی سعی دارد ضمن آسیب‌شناسی، تجویزهای راهبردی و عینی پیشنهاد کند. بدین منظور از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها بهره می‌برد. تحلیل لایه‌ای علت‌ها از لحاظ روش، کیفی و از لحاظ رویکرد، اکتشافی است (ر.ک: فاتح‌راد و همکاران، ۱۳۹۲). این رویکرد به عنوان یک نظریه به دنبال جمع‌مدل‌های گوناگون شناخت (تجربه‌گرایانه، تفسیر‌گرایانه، انتقادی و یادگیری) است و به عنوان یک روش، کاربرد آن نه برای پیش‌بینی آینده، بلکه برای آفریدن فضاهای تحول‌ساز برای خلق آینده‌های بدیل است (عنایت‌الله، ۲۰۰۴، ص ۸). CLA تمرکز کمتری بر فضای افقی آینده دارد و بیشتر به بعد

1. Causal Layered Analysis (CLA).
2. Inayatullah.

عمودی آینده‌پژوهی و لایه‌های تحلیل می‌پردازد و ارزش بالاتری برای عمق قائل است؛ اما در سطوح عمیق‌تر پایان نمی‌یابد. حرکت رو به بالا و پایین در لایه‌های گوناگون یک عامل کلیدی است. در واقع CIA به تمام این لایه‌ها نیاز دارد تا پژوهشی ارزشمند و تحول‌ساز انجام گیرد (ر.ک: همان، ص ۸-۱۶). بهترین کاربرد آن در رابطه با روش‌های دیگر همچون تحلیل موضوعات در حال ظهور و چشم‌اندازسازی است و به فراخور چنین ظرفیتی، قابلیت سناریونویسی و تجویزهای راهبردی را نیز دارد (همو، ۲۰۱۴م، ص ۱۲).

مطابق روش تحلیل لایه‌ای علی، زمانی که در خصوص موضوعی، قصد آینده‌پژوهی داریم، باید به طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی شکل‌دهنده به آینده توجه کنیم. این لایه‌ها عبارت‌اند از:

- لایه لیتانی: ^۱ جنبه بدون پرسش و معمول واقعیت است. سطح لیتانی واقعیت‌هایی را که اغلب به وسیله اخبار یا رسانه‌های دیگر برای اهداف سیاسی و اغلب اغراق‌آمیز عرضه می‌شوند، شناسایی می‌کند. این واقعیت‌ها خالی ارزش‌ها نیستند و چالش با آنها دشوار است؛ زیرا آنها به عنوان حقیقتی عرضه می‌شوند که متکی بر نظام، جهان‌بینی یا اسطوره هستند (ر.ک: هافمن، ^۲ ۱۹۹۴م). در واقع لایه ظاهری موضوع، مطالعه می‌شود.

- لایه سیستمی: این سطح به اکتشاف عوامل اجتماعی، فناورانه، اقتصادی، محیطی و سیاسی و تاریخی مرتبط با موضوع مربوط می‌شود. در این سطح، داده‌ها می‌توانند مورد سؤال قرار گیرند؛ اما پارادایمی که سؤال در داخل آن شکل می‌گیرد، خود مورد پرسش واقع نمی‌شود (ر.ک: همان). در واقع این لایه به واکاوی ریشه‌های مسئله موردنظر پرداخته و نمایانگر شهادی بر ادعای ارائه‌شده در لایه قبل است.

- لایه گفتمانی یا جهان‌بینی: ^۳ در این سطح می‌توان به اکتشاف این امر پرداخت که ذی‌نفعان گوناگون چگونه لیتانی و نظام را می‌سازند. نکته کلیدی در این سطح این است که کدام موقعیت‌های عمیق‌تر، دیدگاه‌های پشت سر لیتانی و سیستم را شکل می‌دهند. ذی‌نفعان چه کسانی هستند؟ چگونه جهان‌بینی و باورهای پیچیده در پیدایی و تشدید مسئله عمل می‌کند؟ این سطح در تعیین چگونگی مشروعیت یافتن دو سطح اول، مهم و حیاتی

1. Litany.

2. Hoffman.

3. Discourse/Worldview.

است. وارد یا حذف کردن گفتمان خاص در نهایت می‌تواند امتیازات خاصی را به موضوعات و سناریوهایی که مشخص می‌شوند، اعطا کند. این سطح به دیدگاه‌ها و معرفت‌شناسی‌های دیگر اجازه می‌دهد ادعا کنند که سناریوها چگونه شکل می‌گیرند.

- لایه اسطوره یا استعاره^۱: این سطح بر ابعاد احساسی ناخودآگاه تأکید دارد. چالش فراروی آن، انجام تحقیقات و حرکت در این لایه‌های تحلیل و در نتیجه دربرگرفتن شیوه‌های گوناگون دانستن است. انجام این کار به خلق آینده‌های بدیل معتبر و تحول یکپارچه منجر می‌شود (عنایت‌الله، ۱۳۸۸ «ب»، ص ۱۰). اسطوره‌ها تصویری از آینده خلق می‌کنند که کهن‌الگوی ناخودآگاه، ادراکات و جهان‌بینی و در نتیجه تجربیات افراد از دنیا را شکل می‌دهند. این سطح متکی به مفروضات فرهنگی و تمدنی خاص درباره ماهیت زمان، عقلانیت و عاملیت است. از همه مهم‌تر برای تحلیل و تغییر آینده، ضرورت دارد اسطوره‌ها یا جهان‌بینی‌های خاص که تاکنون گران‌بها بوده‌اند، از ذهن خارج شوند تا بدین طریق، روش‌های جدید تفکر در مورد آینده آموخته شود (ر.ک: هافمن، ۲۰۱۲م).

در این روش، فضای تبیینی مسئله به مثابه کوه یخی تصور می‌شود که لایه لیتانی در حکم نوک کوه یخ است که قسمت اعظم این فضای تبیینی در سطوح ناپیدا قرار می‌گیرد؛ بنابراین پژوهشگران و کارشناسان در برنامه‌ریزی، سناریونویسی و کارگاه‌های آینده‌پژوهی باید بر سطوح پایین‌تر که به لایه لیتانی معنا، مفهوم و موجودیت می‌بخشد، توجه و اقدام کنند (قنبری، ۱۳۹۴، ص ۳۰). نکته اساسی در روش تحلیل لایه‌لایه علی این است که این روش در صدد کنار زدن سطح بالای کوه یخ برای تحلیل پایین دریا نیست. در واقع به تمام سطوح نیاز است تا تحقیقاتی ارزشمند و متحول‌ساز انجام شود. همچنین با توجه به ارتباط اجتناب‌ناپذیری که بین لایه‌های گوناگون وجود دارد، هر تحلیل علی یا راهبردی بدون در نظر گرفتن لایه‌ای، عملاً ناقص است.

پژوهش حاضر به منظور پرهیز از خطاها، جمع‌آوری و تحلیل راهبردها، متناسب با لایه‌های چهارگانه از منابع دوگانه تغذیه می‌کند. بدین منظور ضمن مطالعه و بررسی اسناد پژوهشی مرتبط با مسئله با بهره‌گیری از مصاحبه‌نامه نیمه‌ساخت یافته، اطلاعات لازم جمع‌آوری، تنقیح و تنظیم شده‌اند. با در نظر گرفتن معیارهای درون‌گنجی، ۶۲ سند پژوهشی

1. Myth/Metaphor.

و ۸ مصاحبه‌نامه به صورت مرحله‌ای به فراخور نیازهای پژوهشی، جمع‌آوری و واکاوی شدند. گفتنی است در پژوهش حاضر، ملاک حجم نمونه، کفایت تئوریک و اشباع نظری موضوع بوده است؛ بدین معنا که تا زمانی که یافته‌ها به حد تکرار رسید و موارد جدیدی از متون یافت نشد، جمع‌آوری اطلاعات متوقف شد.

لیست واحدهای تحلیل

منابع پژوهشی	منابع مصاحبه‌ای
علی محمدی (۱۳۹۰)؛ اصغر ابراهیمی هرستانی (۱۳۹۱)؛ حافظ ثابت (۱۳۷۹)؛ مریم عمیدی مظاهری (۱۳۸۴)؛ شقایق جابرزاده انصاری (۱۳۹۴)؛ علی اصغر احمدی (۱۳۹۶)؛ غلام‌رضا متقی‌فر (۱۳۸۰)؛ محمد خدمتیان (۱۳۹۰)؛ سمیرا طاووسی (۱۳۹۴)؛ میثم سوری (۱۳۹۵)؛ مصطفی فرح شیرازی (۱۳۹۳)؛ علی قائمی (۱۳۶۴)؛ محسن فرمهینی فراهانی (۱۳۸۳)؛ حسین اسماعیلی (۱۳۹۴)؛ سمیه یزدانی (۱۳۹۷)؛ سارگل ابراهیمی (۱۳۹۸)؛ خدیجه حسین‌زاده باردی و همکاران (۱۳۹۳)؛ فاطمه بیگم رضازاده (۱۳۷۰)؛ علی‌احمد پناهی (۱۳۸۶)؛ فاطمه گلی (۱۳۹۶)؛ مصطفی خادم قائمی (۱۳۹۶)؛ حامد حاجی‌پور (۱۳۹۵)؛ بدرالسادات بازیار و همکاران (۱۳۹۵)؛ افسر بخشی (۱۳۷۵)؛ مریم پازنگ (۱۳۹۶)؛ یوسف نصیری (۱۳۸۸)؛ احمد زنداویان و صادق شمشادی (۱۳۹۶)؛ محمد مزیدی و محمد خدمتیان (۱۳۹۶)؛ علی سعیدی (۱۳۸۴)؛ صدیقه محمدجانی و محمدحسین یارمحمدیان (۱۳۹۵)؛ ماندانا سلحشور (۱۳۸۴)؛ علی‌نقی فقیهی و یکتا شکوهی (۱۳۸۷)؛ غلام‌رضا متقی‌فر (۱۳۸۳)؛ رضا اسلامی و سارا میریان (۱۳۹۴)؛ خسرو رشید و مریم حسینی اصل (۱۳۹۶)؛ مهدی سبحانی‌نژاد و رضا همایی (۱۳۸۶)؛ مهنار علی‌اکبری دهکردی و طیبیه محتشمی (۱۳۹۳)؛ محمد امینی و همکاران (۱۳۹۰)؛ منیره انوشه و همکاران (۱۳۸۲)؛ مراد یاری دهنوی و فاطمه ابراهیمی شاه‌آبادی (۱۳۹۵)؛ محمدمهدی مقدادی و مریم جوادپور (۱۳۹۶)؛ محمدحسین افشاری (۱۳۹۴)؛ ایراندخت فیاض و مریم بختیاروند (۱۳۹۷)؛ محمدجواد صادقی (۱۳۹۸)؛ شیرین محمدی‌پناه و همکاران (۱۴۰۰)؛ محسن اصغری نکاح و زهرا مهاجرپور (۱۴۰۰)؛ سروناز تربتی و همکاران (۱۳۹۸)؛ احسان رحمانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ رضا محمدبیگی و همکاران (۱۳۹۶)؛ مرتضی حاجی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)؛ عباس قلتاش و همکاران (۱۳۹۷)؛ زهرا معزی (۱۳۹۸)؛ کیوان بلندهمتان (۱۳۹۳)؛ محمود سعیدی رضوانی (۱۳۹۷)؛ سمیه یزدانی و همکاران (۱۳۹۷)؛ نگین نادری و همکاران (۱۴۰۰)؛ حامد حاجی‌پور (۱۳۹۷)؛ ناصر باقری (۱۳۹۹)؛ زهره قلاوند و همکاران (۱۳۹۹).	

یافته‌ها و دستاوردها

به منظور بررسی کم و کیف تربیت جنسی نزد جامعه ایرانی، متناسب با روش تحلیلی، علل و عوامل در چهار سطح لیتانی، سیستمی، جهان‌بینی (گفتمانی) و اسطوره یا استعاره‌ای، مطالعه و واکاوی شدند.

۱. لایه لیتانی فضای راهبردی

مطابق با توضیحات مطروحه، اگر لایه لیتانی را قسمت حساسیت‌زا، مشاهده‌پذیر و ظاهری مسئله عنوان کنیم، می‌توانیم شکل‌ها و نمودهای انحرافات جنسی را در لایه لیتانی متصور باشیم. در واقع لایه لیتانی به مثابه نوک کوه یخ است که از سطح دریا بیرون زده است؛ امری که نشان‌دهنده وجود مسئله و وجود ریشه‌های عظیم و بزرگ آن در لایه‌های عمیق است. به تبع رویارویی با چنین مسائلی، به‌طور طبیعی بهره‌گیری از دم‌دستی‌ترین راهکارها و ابزارها در دستور کار قرار می‌گیرد.

سطح تحلیل: لیتانی

تجویزهای پیشنهادی	مسائل
افزایش هزینه مشارکت‌کنندگان در تولید، توزیع و مصرف خدمات و الگوهای جنسی ناهنجار	میزان بالای روابط نامشروع و محارم
تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به انحرافات و خشونت‌های جنسی	میزان بالای سوءاستفاده جنسی از کودکان
برخورد سریع و قاطع با گروه‌های مرجع و سازمان‌یافته در زمینه خشونت‌های جنسی	میزان بالای تعرض‌ها و خشونت‌های جنسی
فیلتر کردن سایت‌ها و رسانه‌های مروج انحرافات جنسی	افزایش میزان طلاق به سبب نارضایتی‌های جنسی
افزایش تعداد مراکز پلیسی و قضایی در سطح شهر برای برخورد بهنگام و مؤثر با مشارکت‌کنندگان در انحرافات جنسی	کاهش میزان حجاب و عفاف در سطح جامعه
تجهیز اماکن عمومی شهر به امکانات و تجهیزات نظارتی	میزان بالای خودکشی‌های ناشی از چالش‌های جنسی
تقویت مراکز اطلاعات و امنیتی به منظور رصد پوشش‌های مرتبط با ناهنجاری‌ها و جرایم جنسی	انزوا، درون‌گرایی و شکست‌های تحصیلی و شغلی ناشی از مسائل جنسی
تقویت مراکز مشاوره‌ای و تربیتی به منظور اصلاح و بهبود اختلالات روحی - روانی ناشی از الگوهای انحراف جنسی	احساس گناه و خجالت از بلوغ و عوارض آن
حمایت از قربانیان خشونت‌ها و تعرض‌های جنسی	میزان بالای بیماری‌های مقاربتی
افزایش بودجه مراکز درگیر با قربانیان جنسی	رواج شکل‌های انحرافی رفتارهای جنسی
	میزان بالای استفاده از صنایع و ابزارآلات جنسی
	تمایل نداشتن به ازدواج

۲. لایه سیستمی فضای راهبردی

در این سطح از تبیین بر علل و عواملی که به لحاظ ساختاری و سیستمی در پیدایی یا تشدید مسئله اثر گذارند، تأکید می‌شود. این عوامل می‌توانند شامل مجموعه‌ای متنوع از نارسایی‌ها، محدودیت‌ها و کژکارکردهای نظام ملی در عرصه‌های زیستی گوناگون باشد. متناسب با مضامین مکتسبه از یافته‌های تبیینی، لایه سیستمی علی و به تبع آن راهبردها و راهکارهای تجویزی در این سطح را می‌توان در هشت قلمروی «خانواده و سبک زندگی آسیب‌زا»، «دسترس‌پذیری الگوهای انحرافی رفتار جنسی»، «فرهنگ مقاوم سنتی»، «احساس محرومیت و ناکامی»، «ناکارآمدی روشی و رویکردی نهادهای تربیت جنسی»، «ناکارآمدی مدیریتی نهادهای تربیت جنسی»، «ناکارآمدی حوزه علمی در خصوص تربیت جنسی» و «ضعف نگرشی و مهارتی» تنظیم و صورت‌بندی کرد که به تبع آنها می‌توان سیاست‌ها و تجویزهای ذیل را ارائه کرد تا از رهگذر آنها به کنترل زمینه‌های موجد و تشدیدکننده مسئله دست زد.

سطح تحلیل: سیستمی

تجویزهای پیشنهادی	مسائل
<p>مهندسی ساختارهای جامعه با هدف تقویت خانواده</p> <p>تصحیح فرهنگ خانواده (توسعه کمی و کیفی روابط اعضا) از طریق بسیج ظرفیت‌های تربیتی و فرهنگی</p> <p>برطرف کردن موانع و مسائل مرتبط با تشکیل، تحکیم، تداوم و توسعه خانواده</p> <p>کانالیزه کردن صیغه موقت و ازدواج موقت نزد هردو جنس</p> <p>ایجاد وزارت خانواده</p> <p>حمایت از فرزندآوری</p> <p>سوق دادن منابع و سرمایه‌ها حول خانواده و خانواده‌محوری</p> <p>تدارک برنامه‌های گوناگون آموزشی با هدف</p>	<p>خانواده و سبک زندگی آسیب‌زا</p> <p>سابقه فساد اخلاقی و جنسی در میان اعضای خانواده (مثل تجربه بازی‌های جنسی در زمان‌های کودکی)</p> <p>تنوع‌طلبی، خیانت‌ها و میل به برقراری ارتباط با دیگران نزد افراد متأهل</p> <p>وجود محرک‌های جنسی در فضای خانوادگی و خویشاوندی (مثل رعایت نشدن پوشش توسط نزدیکان و تجربه رؤیت رفتارهای جنسی والدین)</p> <p>الگوی ازدواج آسیب‌زا (تحمیلی و نبود هماهنگی شخصیتی)</p> <p>مشغولیت‌های فراوان والدین و فرصت نداشتن برای توجه به فرزندان</p> <p>بهداشت روانی پایین یا اختلالات شخصیتی نزد بخش زیادی از جامعه</p>

<p>تجربه بدسرپرستی</p> <p>الگوی فرزندپروری انحرافی (سهل گیرانه و استبدادی)</p> <p>اطلاع کافی نداشتن والدین از تربیت جنسی</p> <p>تجربه‌های نامطلوب تربیت جنسی در والدین</p> <p>ترس والدین از خطرات احتمالی آموزش جنسی</p> <p>سست شدن بنیان خانواده و تغییر فرهنگ خانواده</p> <p>تجدد و بی‌میلی به تشکیل خانواده</p> <p>افزایش میزان طلاق و مطلقه</p> <p>کنترل نکردن خلوت‌های فرزندان</p> <p>انسداد مسیرهای اطفای نیازهای جنسی</p> <p>دسترس‌پذیری الگوهای انحرافی رفتار جنسی</p> <p>فضای ناپاک اینترنت و زیرساخت‌های معیوب و ناکافی رسانه‌ای در کشور</p> <p>محصولات و خدمات جنسی در دسترس</p> <p>معاشرت‌ها و مصاحبت‌های نامناسب</p> <p>افزایش مراکز و فضاهاى مختلط (کافه‌ها، قهوه‌خانه‌ها، تالار رستوران‌ها، شرکت‌های کاری، پارک‌ها و...)</p> <p>مجتمع‌های پرتراکم مسکونی و محل‌های بی‌دفاع شهری</p> <p>بلوغ زودرس</p> <p>فرهنگ مقاوم سنتی</p> <p>غلبه نگاه منفی و گناه‌آلود به گزینه جنسی و اعمال روش مهار</p> <p>ترس والدین از خطرات احتمالی آموزش جنسی</p> <p>انگ‌زنی به صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه تربیت جنسی</p> <p>حضور اشخاص مخالف در رأس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی</p> <p>ترس از ورود به مبحث تربیت جنسی</p> <p>تعریف کودکان به عنوان تنها گروه مخاطب تربیت جنسی</p>	<p>حساسیت آفرین والدین در خصوص تربیت جنسی فرزندان</p> <p>همسوسازی ظرفیت‌های تربیتی با تقویت غیرت، حیا و تقوا</p> <p>انسجام ساختاری و نهادی در خصوص تربیت جنسی</p> <p>ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به تربیت جنسی و تنظیم یک سند فرابخشی در این خصوص</p> <p>ارتباط‌گیری با مجلس و قانون‌گذاران</p> <p>تقسیم کار نهادی متناسب با ماهیت مباحث آموزش جنسی</p> <p>تعریف مسئولیت‌های قابل‌سنجش برای نهادهای تربیتی دیگر</p> <p>ورود حوزه علمی و دانشگاه به تولید الگو و منابع معرفتی لازم</p> <p>تعریف تمامی نهادهای اجرایی و تربیتی به مثابه بازوی خانواده</p> <p>تقویت همکاری خانواده با مدرسه در خصوص تربیت جنسی</p> <p>تهیه و تدوین یک سیاست مورد وفاق در خصوص رسانه</p> <p>تدارک برنامه جامع آموزش جنسی برای تمامی گروه‌های سنی</p> <p>هماهنگ‌سازی محتوای تربیتی با سیر طبیعی انسان</p> <p>هماهنگ‌سازی محتواها و تکنیک‌های آموزشی با متغیرهای سنی و جنسیتی</p> <p>انجام کار متمرکز و جامع برای تمامی مراکز آموزشی</p> <p>اختصاص اعتبارات سازمانی و سیاست‌گذاری‌های عملیاتی</p>
---	---

<p>بسیج صنعت فرهنگ در خصوص سرفصل‌های تربیت جنسی</p> <p>تغییر در رویکردها، الگوها و تکنیک‌های آموزش جنسی</p> <p>به‌روزرسانی فقه با هدف پاسخ‌گویی به نیازها و اقتضانات جنسی (نهادمندی برخی چالش‌ها)</p> <p>- تغییر در ذهنیت مسئولان و برنامه‌ریزان در خصوص آموزش جنسی (بخش ضروری از نظام تربیت دینی)</p> <p>- بهره‌گیری از سازوکارهای مجاب‌ساز در خصوص پیامدهای الگوهای جنسی</p> <p>- تعیبه شیوه‌ها و الگوهای ثابت آموزش جنسی (حذف سلاقیق)</p> <p>- برگزاری دوره‌های ثابت تربیت جنسی از سوی وزارت بهداشت و آموزش و پرورش</p> <p>- ورود جدی رسانه‌ها به تولید محصولات مرتبط با الگوی مورد وفاق تربیت جنسی</p> <p>- بهره‌گیری از ظرفیت تخصص‌های گوناگون در تدوین برنامه درسی</p> <p>- دیدن متوازن تمامی سرفصل‌های آموزش جنسی</p> <p>حساسیت‌آفرینی روحانیان و مبلغان دینی به این قبیل مسائل</p> <p>حمایت از خدمات فرهنگی و رسانه‌ای مرتبط با</p>	<p>محدودسازی‌ها و کنترل‌های بدون جایگزین (نبود نگاه ایجابی به واقعیت‌های موجود)</p> <p>احساس محرومیت و ناکامی</p> <p>تجربه تبعض جنسی</p> <p>نارضایتی جنسی (تنفر از جنسیت خویش)</p> <p>تورم نیازهای جنسی (توقع فزاینده و ناواقع‌گرایانه جنسی)</p> <p>فرهنگ مردسالارانه (فرهنگ تحدیدی علیه زنان)</p> <p>ارائه نشدن الگوهای زنانه و مردانه خوب و به‌روز</p> <p>ناکارآمدی روشی و رویکردی نهادهای تربیت جنسی</p> <p>انگاره انکار یا سکوت در قبال مسائل جنسی به‌ویژه برای دوره سنی کودک (از سوی والدین، مربیان، معلمان و...)</p> <p>شتاب‌زدگی و آشکارگویی‌های نابجا در آموزش جنسی</p> <p>استفاده از منابع نامناسب و روش‌های نادرست در کسب اطلاعات</p> <p>تخصص و مهارت کافی نداشتن متولیان آموزش تربیت جنسی</p> <p>نبود آموزش معطوف به اقتضانات سنی و جنسی</p> <p>فقر آموزشی برای پسران</p> <p>حاکمیت انگاره تربیتی و روانی بر علوم انسانی</p> <p>نگاه تقلیلی و سلیقه‌ای برنامه‌ریزان درسی در خصوص مباحث و سرفصل‌های تربیت جنسی (مانند تمرکز صرف روی سرفصل‌های بهداشتی)</p> <p>غیرهم‌جنس بودن آموزگاران دوره ابتدایی</p> <p>خلأ مضامین مرتبط با آموزش جنسی در اسناد و برنامه درسی</p> <p>ناکارآمدی مدیریتی نهادهای تربیت جنسی</p> <p>عملکرد جزیره‌ای و نبود برنامه منسجم و مطلوب در تربیت جنسی</p> <p>نبود نهاد متولی</p>
---	--

<p>آموزش جنسی کودکان</p> <p>آموزش موارد لازم به والدین به ویژه در رابطه با هویت و نقش جنسی</p> <p>باور به جایگاه بی بدیل خانواده در تربیت جنسی</p> <p>ارائه الگوهای صحیح از رویارویی با امر جنسی</p> <p>عرضه بسته آگاهی بخش در خصوص جوانب سبک زندگی با هدف تعدیل غریزه جنسی (تغذیه، پوشش، استحمام، کنترل خواب و بیداری)</p> <p>تدوین برنامه منسجم تربیتی برای گروه های سنی حاضر در مدرسه</p> <p>آموزش جنسی فاقد برانگیختگی</p> <p>توجه به یادگیری مهارت محور و سنجش عملکردی در مدارس</p> <p>هدایت، کنترل و تعدیل تمایلات جنسی از طریق اقدامات ساختاری</p> <p>تفویت زیرساخت های فراغتی در ابعاد ورزشی، هنری، فرهنگی و مذهبی میان جوانان</p> <p>بهبود وضع معیشتی خانوارها</p> <p>حل مشکل بیکاری و اشتغال آفرینی برای جوانان</p> <p>تفویت دین داری در جامعه</p> <p>انجام پژوهش های بومی و فرهنگی در مورد تربیت جنسی</p>	<p>ناهماهنگی بین خانواده و مدرسه در تربیت جنسی</p> <p>سوگیری های فرهنگی و سیاسی بر تربیت جنسی</p> <p>خلأ پژوهش های بومی و فرهنگی در این خصوص</p> <p>نگاه مبهم اسناد بالادستی آموزشی به تربیت جنسی</p> <p>شکل گیری فضاهای آموزشی خودجوش در خصوص تربیت جنسی</p> <p>ناکارآمدی حوزه علمی در خصوص تربیت جنسی</p> <p>غفلت حوزه و مبلغان در خصوص تربیت طلبه ها با گرایش خانواده</p> <p>ناکارآمدی حوزه علمی در الگو دهی و مسئله یابی</p> <p>غفلت یا خوانش تحدیدی از مذهب در خصوص آموزش جنسی (تلقی کم اهمیت به تربیت جنسی و غیر ضروری انگاشتن آن / خوانش مردسالارانه از امور جنسی دین)</p> <p>ضعف نگرشی و مهارتی</p> <p>ضعف در سواد رسانه ای</p> <p>ضعف مهارت ارتباطی (مانند ضعف در مدیریت رابطه و ضعف در کنترل هیجانات منفی)</p> <p>ضعف تفکر عقلانی</p>
--	---

۳. لایه گفتمانی فضای راهبردی

متناسب با توضیحی که برای این سطح از تحلیل در بخش روش شناسی بیان شده است، به فرض های عمیق، جهان بینی ها، ایدئولوژی ها و سطوح ناخود آگاه اثر گذار در پیدایی، تداوم و تشدید مسئله توجه می شود. در حقیقت در این بخش، آسیب ها، انحرافات و مسائلی که در سطح گفتمانی و جهان بینی وجود دارند و پشت سر سطوح لیتانی و سیستمی قرار گرفته و محرک یا موجد آنها شمرده می شوند، بررسی می شوند. در این راستا، حاکمیت فضای سکولار بر نهادهای آموزشی و تربیتی، حاکمیت الگوهای تعاملی ناکارآمد بین قدرت

مرکزی و خرده‌فرهنگ‌های جنسیتی به همراه پیامدهای منفی گفتمان مدرنیته از قبیل فردگرایی منفی، آزادی، تنوع‌طلبی، عقلانیت ابزاری و منفعت‌طلبی، برهنگی و سکولاریسم به پیدایی و تشدید انحرافات جنسی در عرصه‌های گوناگون زیستی انسان ایرانی منجر شده‌اند. از همین رو می‌توان تجویزهای ذیل را معطوف به فروکاستن نقش این جهان‌بینی‌ها پیشنهاد داد: تولید و ترویج الگوی بومی تربیت جنسی؛ طرح پیامدهای منفی مدرنیته با لحاظ تنوع مخاطبان؛ توجه جدی رسانه‌ها به تولید محصولات و برنامه‌های آموزشی؛ برجسته‌سازی ابعاد تربیت جنسی منابع معرفتی مشروع؛ سپردن تفاسیر و مداخلات دینی به اهالی آن (حوزه علمیه) با هدف کاهش موانع دینی به همراه تقویت توسعه گفتمان دینی در جامعه به‌عنوان زیربنا و تکیه‌گاه الگوی بومی تربیت جنسی.

سطح تحلیل: گفتمان / جهان‌بینی

مسائل	تجویزهای پیشنهادی
<ul style="list-style-type: none"> - پیامدهای منفی گفتمان تجدید چون فردگرایی منفی، آزادی، استقلال فردی، تنوع‌طلبی، عقلانیت ابزاری و منفعت‌طلبی، برهنگی و سکولاریسم - الگوی جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی توأم با جوک‌های جنسیتی، خشونت‌طلبی بخش جدایی‌ناپذیر هویت پسر، وجود نگرش منفی به زن، مطیع بودن زن و ارزشمندی مرد گونگی - ارزش‌های مردسالاری از جمله نگرش منفی به نقش‌های اجتماعی زنان، سزاوار خشونت بودن عامل بی‌اعتقادی به ایدئولوژی پدرسالاری، انتظارات از محدودسازی روابط اجتماعی زنان متأهل، تحمل خشونت به خاطر تجویزهای کلیشه‌ها و طبیعی انگاشتن آزار زنان از سوی همسرانشان - ناکارآمدی الگوی تعاملی میان خرده‌فرهنگ‌ها و هویت ملی - مرزبندی‌های داخلی و بیگانه‌انگاری نیروها و بازیگران داخلی از جانب نیروهای اثرگذار (تبدیل دیگری متفاوت به دیگری دشمن) 	<ul style="list-style-type: none"> - طرح پیامدهای منفی مدرنیته با لحاظ تنوع مخاطبان - افزایش قبح انحرافات جنسی - سپردن تفاسیر و مداخلات دینی به اهالی آن (حوزه علمیه) - جدی انگاشتن عدالت در تربیت جنسی میان گروه‌های اجتماعی گوناگون - برجسته‌سازی ابعاد تربیت جنسی منابع معرفتی مشروع - توجه جدی رسانه‌ها به تولید محصولات و برنامه‌های آموزشی - تولید و ترویج الگوی بومی تربیت جنسی - اشاعه و توسعه گفتمان اسلامی به عنوان زیربنای تمامی سیاست‌های فرهنگی

<p>- نفوذ جریان‌ها و پویش‌های حامی حذف یا کم‌رنگ کردن عنصر جنسیت از الگوی جنسی مانند فمینیسم، هِدوئیسم و...</p> <p>- صنعت مد و گرهِ خوردن آن با ارزش‌ها و شکل‌های انحرافات جنسی (فشار مد)</p> <p>- صنعت پورن (سیاست قبح‌زدایی و طبیعی‌سازی انحرافات جنسی، نگاه هنرمندانه به ژانر پورن و...)</p>

۴. لایهٔ اسطوره‌های فضای راهبردی

در این لایه به مسائل و عواملی پرداخته می‌شود که به سطح بنیادین ناخودآگاه که تحت عناوینی چون کهن‌الگوها، ادراکات و مفروضات و زیرساخت‌های عمیق روانی یاد می‌شوند؛ از این رو تجویزهای مرتبط با این سطح به اسطوره‌ها و استعاره‌هایی می‌پردازد که تاکنون بی‌چون و چرا گران‌بها تصور می‌شدند تا از رهگذر چنین سازوکاری که اغلب وجهی روانی-فرهنگی به خود می‌گیرند، سعی می‌شود موارد و منابع آسیب‌زا از ذهن خارج شود تا روش‌های جدید تفکر در مورد آینده جایگزین شوند. در این رویکرد، ما انسان‌ها آن‌گونه که تصور می‌کنیم، خاص و منحصر به فرد نیستیم و متأثر از خواسته‌ها، امیال و ترس‌های مشترکی هستیم.

مطابق با تحلیل مضامین واحدهای تحلیل می‌توان در این سطح، پنج مقوله‌شناسایی کرد که مانع یا عامل انحرافی تربیت جنسی به شمار می‌روند:

۱-۴. **استعارهٔ شرمگاه:** در ادبیات شفاهی، آلت تناسلی توأم با شرم، عیب و زشت رمزگشایی و معنا شده است. چنین انگاره‌ای به صورت خودبه‌خودی در دوره‌های مختلف نسلی بازتولید شده و در نهایت نزد شخصیت ایرانی، مانع نگاه ایجابی به آلت تناسلی و پرورش مسائل معطوف به آن شده است.

۲-۴. **انگارهٔ گناه:** در جهان‌زیست انسان دینی، هر خوانشی از دین به‌طور مستقیم جهت‌گیری‌های کنشی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بدیهی است در چنین فضایی شاهد خوانش‌های دینی متفاوتی در قبال موضوعات و سوژه‌ها هستیم. نگاهی به الگوی مواجهاتی برخی از خوانش‌های دینی افراط‌گرایانه بیانگر تمرکز افراطی احکام و القائات سلبی تحت سازوکارهایی چون برچسب‌ها و عملکرد دینی است. حاکمیت فضای ذهنی-روانی گناه‌آلود در خصوص موضوعات و مباحث جنسی از یک سو مانع رسمیت‌بخشی به نیاز

جنسی می‌شود و از سوی دیگر زمینه را برای رشد گونه‌های انحرافی جنسی فراهم می‌کند. ۳-۴. **رسوبات مرتبط با سرکوب غریزه جنسی:** بی‌گمان جامعه ایرانی به لحاظ تاریخی، جامعه‌ای استبدادی بوده و رسوبات ذهنی و روانی ناشی از روابط، الگوها و فرهنگ استبدادی طولانی مدت روی تمامی موضوعات و عرصه‌های زیستی موجود، سایه افکنده است. سرکوب‌ها و سیاست‌های تقییحی و سلبی حول مباحث و موضوعات جنسی از این قاعده مستثنا نبوده است؛ از این رو انسان ایرانی امروز میزبان چنین میراث روحی و روانی در قبال امر جنسی است.

۴-۱. **انگاره ترس:** به‌رغم اینکه ترس یک سازوکار طبیعی در قبال امور غریب، مبهم و خطرناک است، برجستگی افراطی آن می‌تواند مسیر طبیعی زندگی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. در این خصوص، حاکمیت نگاه توأم با ترس به امر جنسی نزد شعور متعارف، باعث پیدایی مقاومت در برابر انجام فعالیت‌های جنسی یا گفت‌وگو در این خصوص می‌شود.

۴-۵. **نظارت ناپذیری:** به‌زعم اغلب صاحب‌نظران، نظارت می‌تواند در ابعاد درونی و بیرونی درخور بررسی باشد. نظارت درونی به ارزش‌ها و معانی اشاره دارد که در نگرش و الگوهای رفتاری فرد متبلور می‌شود و انتخاب‌های فرد را کنترل می‌کند. در این رابطه، منابع معنابخش مانند دین، سنت و اخلاقیات نقش بسزایی ایفا می‌کنند؛ جایی که به وجدان فرد تبدیل می‌شوند و از درون به مثابه ناظر عمل می‌کنند. نظارت بیرونی نیز به تمامی تجهیزات و عوامل کنترلگری اشاره دارند که در محیط بیرون فرد قرار می‌گیرند و به علت ارتباط آنها با مجموعه‌ای از سازوکارهای انضباط‌بخش (تنیبه و تشویق)، نقش مهمی در پیدایی شخصیت منضبط ایفا می‌کنند. در پی تغییر و تحولات رخ داده حول منابع معنایی و رنگ باختن ادیان و مذاهب انضباط‌بخش، امروزه شاهد پیدایی خلأ اساسی در عرصه کنترلگرهای معنوی و سنتی هستیم. تعریف بی‌قیدی از مفهوم آزادی و فردمحوری توأم با روحیه نظارت‌ناپذیری به پیدایی انحرافات جنسی و نیاز نداشتن به آموزش‌های تحدیدبخش در روابط جنسی منجر می‌شوند.

سطح تحلیل: اسطوره/ استعاره

تجویزهای پیشنهادی	مسائل
استعاره «خصوصی» به اندام‌های جنسی استعاره الهیاتی به امر جنسی	استعاره‌های «شرمگاه» یا «عبیگاه» برای آلت تناسلی انگاره گناه به امر جنسی رسوبات ناشی از دوره طولانی مدت از «سرکوب غریزه جنسی»

	انگاره ترس در قبال امر جنسی نظارت ناپذیری انسان ایرانی
--	---

واکاوی نتایج و دستیابی به گره اصلی

بر کسی پوشیده نیست که بر خلاف ادیان دیگر، اسلام سرشار از ظرفیت‌های بی‌بدیل معرفتی و استعاره‌ای در خصوص زن و امر جنسی است. استعاره الهیاتی به امر جنسی به معنای دیدن و برجسته کردن این ظرفیت‌هاست. از دیدن امر جنسی به مثابه عبادت تا دیدن آن به مثابه ابزاری برای اهداف عالی (چون تقویت بعد روحانی انسان، تشکیل خانواده و تولیدمثل) توأم با مقیدبودگی.

در ادامه نوشتار ضمن وضعیت‌شناسی تربیت جنسی در جامعه ایران، گره یا مسئله اصلی با در نظر گرفتن میزان تأکید واحدهای تحلیل (اسناد و مصاحبه‌شوندگان) احصا و سپس راهبردها و راهکارهای عملیاتی برای فروکاستن یا کنترل آن به نهادهای دخیل پیشنهاد می‌شود.

۱. وضعیت‌شناسی

اگر امر جنسی را به مثابه یک قوه و نیاز انسانی قلمداد کنیم، باید بپذیریم هر جامعه‌ای ناگزیر در نظام تعلیم و تربیت خویش به آن توجه داشته باشد تا ضمن پاسخ‌گویی طبیعی و بهنجار به آن، مانع تحقق مسیرها و الگوهای انحراف جنسی شود.

تحلیل مضمونی واحدهای تحلیل از این حیث، حاکی است که اوضاع کنونی تربیت جنسی در جامعه ایران توأم با مختصات ذیل است:

- توجه ناچیز نظام تعلیم و تربیت به تربیت جنسی (اعم از خانواده، آموزش و پرورش، دانشگاه، حوزه علمی، رسانه‌های رسمی و...)

- آموزش جنسی در قالب‌های غیربومی و غربی (زبان و ادبیات)؛

- نبود سازمان‌یافتگی تربیت جنسی؛

- ناپیدا بودن دامنه و ابعاد مسئله جنسی در ایران؛

- نگاه صرف علمی به آموزش تربیت جنسی (در سطح نخبگانی)؛

- نبود مهارت‌های مربوط به تعدیل و کنترل جنسی نزد اغلب شهروندان؛

- حاکمیت رویکرد انکار و خفتگی در خصوص تربیت جنسی؛

- نگاه نامتوازن به مسائل و مباحث مرتبط با تربیت جنسی.

فارغ از داده‌های مرتبط با منابع کتابخانه‌ای که تربیت جنسی در ایران را در وضع

«نامطلوب» ارزیابی کرده است، تحلیل مصاحبه‌های انجام شده نیز با ارجاع به گزاره‌های فوق، «نامطلوب» بودن تربیت را القا می‌کند؛ به نحوی که تمام مصاحبه‌شوندگان به نامطلوب بودن وضع موجود اذعان داشته‌اند.

بدیهی است تداوم وضع موجود می‌تواند اثرات جبران‌ناپذیری بر پیکر فرهنگ و نهادهای اجتماعی بر جای بگذارد و می‌توان آینده‌نه‌چندان روشنی را از این حیث پیش‌بینی کرد و از منظر واحدهای تحلیل آینده‌میان‌مدت (ده سال بعد)، ایران را با دو فاکتور ذیل، تحلیل و تصویرسازی کرد:

۱-۱. انقلاب جنسی: «چیزی که دارد اتفاق می‌افتد، به نظرم یک چیزی شبیه به کشورهای غربی در ایران است؛ یعنی وقتی سابقه انقلاب جنسی در آمریکا را نگاه می‌کنیم و مطالعات آن را می‌بینیم، می‌بینیم که تقریباً یک سیری را دارد و در کشور ما هم همین مسیر دارد اتفاق می‌افتد؛ منتها برای آنها حدود صد سال طول کشیده و احتمالاً ما با سرعت بیشتری طی خواهیم کرد؛ چون آنها این حجم از رسانه‌های غربی را نداشتند و خودشان تولیدکننده بودند؛ بنابراین ما یک سیری را مثل فضای غربی، ولی با یک سرعت بیشتری پیش برویم» (۱۴۰۱/۰۱/۲۷، الگوی تربیت جنسی، حسینی، ۱۹-۱۹). اگر انقلاب جنسی را به تغییرات بنیادین و سریع ارزش‌ها و هنجارهای جنسی تعبیر کنیم، باید به فهم جامعی از جزئیات چنین تغییراتی دست یابیم:

- ارزشمندی تنهایی و روابط ناپایدار جنسی؛
- ارتباط جنسی با ابزارآلات جنسی؛
- افراط‌گری، رهاشدگی و بی‌بندوباری؛
- حذف یا کم‌رنگی خانواده؛
- افتادن در دام گفتمان حذف جنسیت از منابع هویت‌بخش؛
- تکثرگرایی جنسی؛
- نگاهی هویتی به مناسبات و کارنامه جنسی؛
- قبح‌زدایی از محرّمات؛
- ارتباط با محارم؛
- به چالش کشیده شدن حلال‌زادگی؛
- هم‌جنس‌گرایی.

۱-۲. کاهش قدرت جامعه در هدایت و راهنمایی تربیتی: تداوم انکار، غفلت یا سکوت در خصوص تربیت جنسی ضمن اینکه پیامدهایی چون رواج الگوهای ناصحیح جنسی، ناآگاهی‌ها و کج‌فهمی‌ها در خصوص امر جنسی دارد، به کاهش قدرت جامعه در این خصوص منجر می‌شود؛ بنابراین شاهد دو چالش خواهیم بود:

- کوتاه شدن دست حاکمیت از ارزش‌گذاری جنسی: «اگر ما روی این مسئله توجه و تمرکز نداشته باشیم و برای آن برنامه‌ریزی نکنیم، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های آموزشی غیررسمی کار خودشان را انجام می‌دهند. ما برنامه‌درسی پوچ را داریم که حتماً همه مستحضر هستند. برنامه‌درسی پوچ آن برنامه‌درسی است که باید آموزش داده شود؛ ولی متأسفانه مورد غفلت قرار می‌گیرد و در جاهای دیگر از طریق مؤسسات و مراکز مختلف آموزش داده می‌شود؛ بدون اینکه چارچوب‌های سند ملی آموزش و پرورش ما در آن، دخالتی داشته باشد. خانواده‌ها علم را یاد می‌گیرند، به دنبال حل مسئله‌شان در مکان‌های مختلف می‌روند؛ ولی وقتی که این مکان‌های مختلف مورد کنترل و نظارت قرار نگیرد، در اینجا مشکلات زیادی را به وجود خواهد آورد» (۱۴۰۱/۰۱/۲۹، الگوی تربیت جنسی، نائینی، ۱۳-۱۳).

- تقویت جایگاه بدیل‌ها در نظام تربیت جنسی (تقویت جایگاه مجاری غیررسمی و انحرافی): «این بحثی بوده که روی آن تأکید داشتند و انقلاب‌های دهه ۱۹۶۰ که از فرانسه هم شروع شد، همین بحث انقلاب جنسی است؛ یعنی حاکمیت دستش را از ارزش‌های جنسی کنار بکشد و خود مردم می‌دانند که چطور زندگی کنند. اگر خواستند، هم جنس‌گرا می‌شوند و اگر خواستند، چیز دیگری می‌شوند. این اتفاق در ایران هم خواهد افتاد. چرا؟ چون کشور جمهوری اسلامی مسائل چالشی‌اش را برای حل کردن روی میز نمی‌گذارد و حواسش نیست که این تحولات به کجا خواهد انجامید. مدیران ما یک مقداری از جامعه عقب هستند» (۱۴۰۱/۰۲/۱۷، الگوی تربیت جنسی، زیبایی‌نژاد، ۷۸-۷۸).

۲. شناسایی گره اصلی

در اغلب آسیب‌شناسی‌ها بخش مهمی از فضای تبیینی برآمده از علت یا عامل خاصی است؛ به این معنا که اگر فضای تبیینی را یک شبکه‌علی مانند تار عنکبوت تصور کنیم، کم و کیف اثرگذاری هر کدام از گره‌ها (علل) به یک اندازه نخواهد بود. طبیعی است که ما در حیات اجتماعی با مجموعه‌ای متنوع از علل و عوامل مواجه هستیم که ممکن است

در این میان به لحاظ ماهیتی و ارتباطی، جدا انگاشته شوند یا تأثیر گذاری و تأثیر پذیری (واسطه گری) ناچیزی داشته باشند؛ از این رو در نظام اولویت گذاری، مسائل و عوامل یکسان در نظر گرفته نمی شوند. قطعاً به همین دلیل است که امروزه پژوهش های تقلیلی و تک عاملی جایگاه چندانی در نهاد علم ندارد. توجه به پژوهش های ترکیبی، بافتی و شبکه ای از این حیث مهم و ضروری است تا فضای تبیینی به مثابه یک کل با میزان های مختلف اثر گذاری ارائه شوند.

در این راستا به رغم اینکه روش تحلیل لایه به لایه علی روش ترکیبی و جامع نگر قلمداد می شود که به طور توأمانی و سلسله مراحل، تمامی سطوح و عرصه های تبیینی مسئله را مدنظر قرار می دهد؛ ولی بررسی شبکه ای نظام علی به منظور دستیابی به گره یا گره های اصلی با هدف شناسایی و تمرکز روی راهبردهای ویژه، پراهمیت است.

نگاهی آماری به دلایل و عوامل مطروحه در خصوص موضوع، بیانگر آن است که «از منظر واحدهای تحلیل، مهم ترین آسیب در این خصوص، نبود الگوی بومی تربیت جنسی است» (با فراوانی). متناسب با تحلیل لایه ای، عواملی که در سطح استعاره یا اسطوره ای بحث شده اند (استعاره های شرم، گناه و ترس)، اغلب از مسیر این گره به علل و عوامل مطروحه در سطوح سیستمی و لیتانی تأثیر می گذارند؛ به این معنا که تولید و ارائه یک الگوی بومی تربیت جنسی می تواند به مسائل و مباحث التقاطی مرتبط با موضوع، سروسامان دهد و از سوی دیگر در تقلیل یا کنترل بخش چشمگیری از انحرافات و آسیب های جنسی، مؤثر واقع شود.

در این نظرگاه، وجود استعاره های منفی از طریق ناکارآمدسازی ظرفیت ها، ابزارها و منابع گفتمان بومی، مانع خلق الگوی کارآمد تربیت جنسی شده است. امری که به همراه نفوذ گفتمان های مزاحم (الگوهای جنسی انحرافی) به طیف متنوعی از موانع و آسیب های مورد اشاره در لایه های عینی (سیستمی و لیتانی) دامن زده است.

۳. تجویز راهبردی معطوف به گره اصلی

مطابق با نتایج یادشده، نبود الگوی بومی تربیت جنسی از منظر واحدهای تحلیل گره اصلی پدیدایی یا تشدید مسائل یا الگوهای انحرافی جنسی شمرده شده است. بدیهی است که همسو با چنین دغدغه ای، «تدوین، اشاعه و عملیاتی کردن الگوی بومی تربیت جنسی» به عنوان راهبرد اصلی در اولویت قرار می گیرد و راهبردهای دیگر به مثابه راهبردهای فرعی،

تکمیلی یا تسهیل کننده می‌توانند نقش ایفا کنند.

اما بدیهی است که تحقق راهبرد یادشده به صورت خودبه‌خودی یا به صورت دفعی، امکان‌پذیر نخواهد بود؛ چراکه لازمهٔ دستیابی به آن در گرو سازوکارهایی است که باید جامعیت و اولویت‌بندی‌های آنها مورد توجه جدی قرار گیرد؛ امری که بخش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به آن، تهیه و تنظیم شده است:

۳-۱. شناسایی تربیت جنسی به مثابه نیاز و ضرورت بنیادین (مخاطب اصلی: مسئولان تراز اول حکومتی)

به منظور تدوین و اجرای هر راهبرد و برنامه‌ای، آمادگی ذهنی و رویکردی صاحبان قدرت و نخبگان، ضرورتی انکارناپذیر است؛ چراکه بدون حساسیت و اهتمام زمامداران، راهبردها توان اجرایی خویش را از دست می‌دهند؛ بنابراین نخستین گام در راستای تدوین الگوی تربیت جنسی، و قوف مسئولان به این امر خطیر و لزوم تغییر رویکردی نزد سطوح بالای سازمانی است. طبیعتاً چنین عملکردی که بی‌گمان به واسطهٔ تأکید مسئولان تراز اول حکومت و نهادهای فراقوه‌ای امکان‌پذیر است، نیاز چرخش پارادایمی یا تغییر رویکردی را مشروع، رسمی و آشکار می‌کند. رهاورد این سازوکار، ایجاد نیاز و مطالبهٔ سازمانی برای طراحی الگوی بومی تربیت جنسی با هدف رویارویی صحیح با امر جنسی است.

اجزای گام نخست: شناسایی تربیت جنسی به مثابه نیاز و ضرورت بنیادین



بنابراین عملیاتی شدن چنین امکانی در گرو اهتمام نهادها و اشخاص دخیل در تولید و ابلاغ اسناد فرادستی (مانند رهبر معظم انقلاب اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی) است.

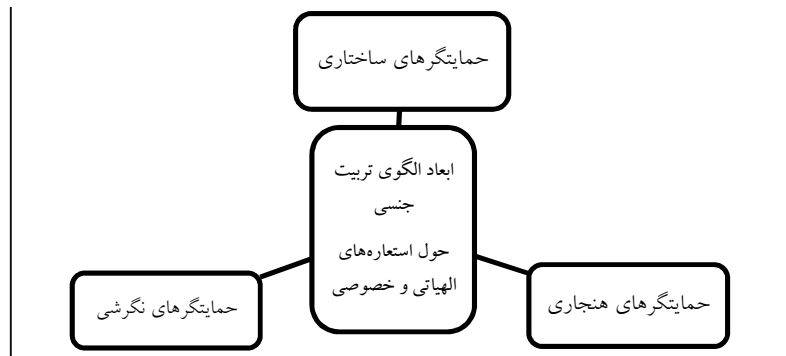
۳-۲. تهیه و ابلاغ الگوی بومی تربیت جنسی (مخاطب اصلی: شورای عالی انقلاب فرهنگی)

در گام دوم باید از مفهوم، جایگاه و الگوی تربیت جنسی متناسب با ملاحظات و ظرفیت‌های بومی ابهام‌زدایی کرد. جامعه‌ای که تکلیف خود را با چارچوب مفهومی و الگوی نظری تربیت جنسی مشخص نکرده باشد، طبیعی است که دچار هرج‌ومرج فکری و رویکردی خواهد شد و در این آشفته‌بازار نظری، زمینهٔ رشد علم، عقل و اصلاح فراهم

نخواهد شد. طراحی الگوی بومی تربیت جنسی ضمن اینکه به رسمیت بخشی به این ساحت منجر می شود، مانع از تک روی ها و حاکمیت سلیقه بر نهادهای تربیتی می شود. همچنین بدون تدوین الگو، ابعاد و مؤلفه ها نامشخص است و برنامه ریزی های سازمانی در این خصوص از جامعیت تهی خواهد بود. هر چند طراحی الگوی بومی از تربیت جنسی امری حساس و خطیر است که نیاز به هم افزایی فکری از سوی نهادهای سیاست گذار و سند نویس است، با در نظر گرفتن نتایج حاصله از تحلیل مضامین می توان ابعاد و مؤلفه های ذیل را برای آن در نظر داشت؛ به بیان دیگر در این بخش سعی می شود نسخه ای اولیه از الگوی بومی تربیت جنسی ارائه شود تا از رهگذر آن، امکانی برای مباحثه، اصلاح و توسعه الگو فراهم شود.

اگر بپذیریم که هدف از طراحی الگوی تربیت دینی، دستیابی به رفتار جنسی سالم شهروندان است و همچنین اگر به این قائل باشیم که جهت گیری رفتاری ملهم از حمایت های ساختاری، نگرشی و هنجاری است؛ بنابراین می توان الگوی تربیت جنسی را بر این مبنا طراحی کرد.

ابعاد سه گانه الگوی تربیت جنسی



حمایتگرهای نگرشی: بر کسی پوشیده نیست الگوی کنشی پایدار امری بازتابی، واکنشی و تصادفی نیست و متأثر از ساختار نگرشی افراد است؛ به این معنا که نگرش، جهت گیری های رفتاری و نظام ترجیحاتی کنشگر را متأثر می کند. از منظر رویکردهای

تفسیری و تربیتی، نخستین و مهم‌ترین گام در ایجاد تغییرات برنامه‌ریزی شده (تربیت) نگرش‌سازی است. بر اساس دیدگاه توماس^۱ (۱۹۷۱م)، نگرش سازوکار پنهانی است که رفتار را هدایت می‌کند و در سه سطح شناختی، عاطفی و رفتاری می‌توان آن را مطالعه کرد (ر.ک: کریمی، ۱۳۸۸). با توجه به ابتدای باورها و عواطف منفی شخص (مانند احساس بی‌ارزشی، شرم و گناه) که از آن تحت عنوان «خودآگاه منفی» نیز یاد می‌شود، به ارزش‌ها و اخلاقیات اجتماعی، هرگونه هدف‌گذاری حول «نگرش» باید کلیت فرهنگ را در نظر بگیرد؛ چراکه ارزیابی منفی (شرم و گناه) زمانی برانگیخته می‌شوند که فرد بین کنش خویش و معیارهای ارزشی و اخلاقی تضاد ببیند؛ بنابراین کنشگر برای اجتناب از این مخمصه به صورت خودبه‌خودی از موضوعات و مصادیق مرتبط با شرم و گناه دوری می‌کند. از این دیدگاه، تغییرات در عرصه کلان فرهنگی با هدف حمایتگری از امر جنسی قاعده‌مند که در لایه استعاره تحت عناوین استعاره الهیاتی و خصوصی یاد شد، حمایتگرهای نگرشی را نیز موجب می‌شود.

سطح شناختی: جزء شناختی نگرش عبارت از اطلاعاتی است که فرد درباره موضوع نگرش دارد. در اینجا منظور، اطلاعات و آگاهی‌هایی است که فرد درباره مباحث جنسی به دست می‌آورد. کسب اطلاعاتی در رابطه با بهداشت جنسی، چستی و چگونگی خودمراقبتی، امنیت جنسی، انحرافات جنسی، هویت جنسی و ...

سطح احساسی: این جزء شامل احساساتی است که موضوع نگرش در شخص بر می‌انگیزد. احساسات مثبت و منفی، خوشایند و ناخوشایند، تعلق و انزجار، غرور و حقارت و... از جمله احساساتی هستند که افراد می‌توانند در مورد موضوعات و سوژه‌های جنسی داشته باشند. مانند احساس تعلق به هویت جنسی خویش یا انزجار از انحراف جنسی.

سطح آمادگی برای عمل: اغلب نگرش را نوعی آمادگی برای عمل تعریف کرده‌اند؛ یعنی نگرش شخص را آماده می‌کند تا در برخورد با موضوع نگرش، کنشی از خود نشان دهد. چنانچه نگرش شخص در مورد موضوعی مثبت باشد، آماده است کمک کند، ستایش کند، حمایت کند یا پاداش بدهد (ر.ک: همان). از این منظر، شکل‌گیری تعهد در قبال امر جنسی، مقصد نهایی تمام سیاست‌ها و راهبردهای نهادهای تربیتی شمرده می‌شود.

1. Thomas.

بنابراین می‌توان نگرش‌سازی در خصوص تربیت جنسی را در سه سطح شناختی (دانشی یا آگاهی)، احساسی (عاطفی) و تعهدی (آمادگی عمل) بررسی کرد؛ هرچند سطوح یادشده تفاوت‌های معنایی مشخصی دارند و می‌توان آنها را به صورت جداگانه سنجید؛ ولی باید در نظر داشت که هر یک از آنها دروازه ورود به دیگری است؛ از این رو نگرش‌سازی وضع مدرج و پیش‌رونده‌ای دارد.

مؤلفه‌های بُعد نگرشی



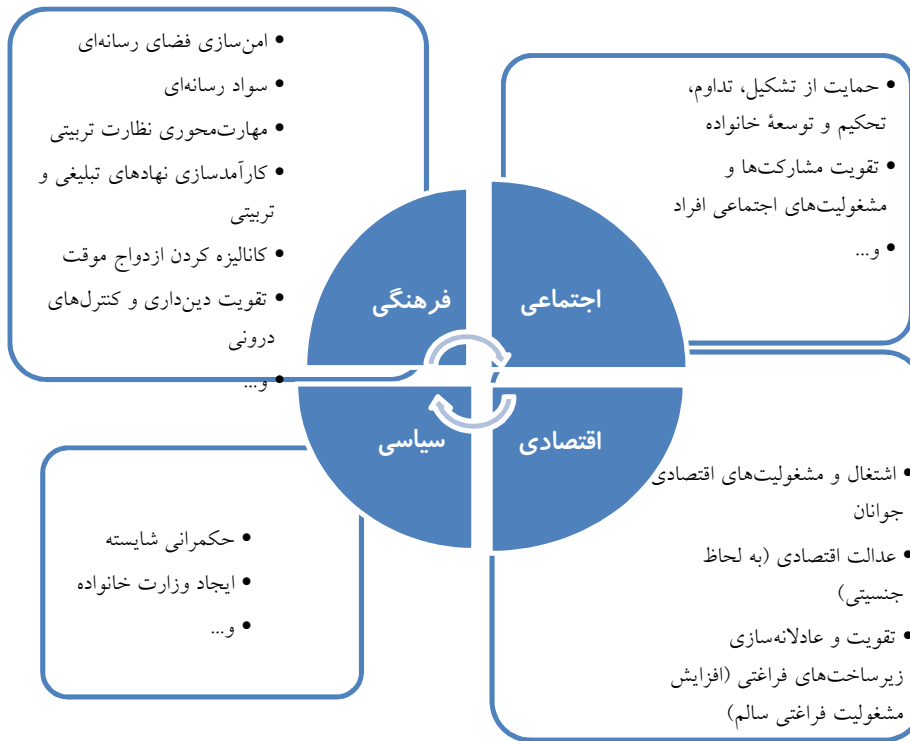
حمایتگرهای هنجاری: «شاخص بعدی در تربیت جنسی، سویه هنجاری آن است؛ یعنی تربیت جنسی به صرف تبیین هست‌ها و نیست‌ها خاتمه پیدا نمی‌کند. من مثلاً برای بچه توضیح دهم و بچه این را بفهمد که دختر یعنی چه، پسر یعنی چه، آمیزش جنسی (در آن مقطعی که مناسب است) به چه شکل صورت می‌گیرد، تولیدمثل به چه شکل صورت می‌گیرد، دائم بگوئیم این گونه هست و این گونه نیست. هست‌ها و نیست‌ها [صرفاً کافی] نیست، تربیت جنسی باید یک سویه هنجاری هم داشته باشد؛ یعنی باید و نباید داشته باشد. حالا که این گونه هست و این گونه نیست، چه باید کرد؟ چه رفتار جنسی را باید داشته باشیم...؟ طبیعتاً در محدوده سنی بچه‌ها، اقتضانات خودش را دارد. وقتی فرد کامل‌تر می‌شود و قدرت درک و فهم او بیشتر می‌شود، باز این اقتضانات هنجاری متفاوت می‌شود. اگر بخواهم یک مثال ساده بزنم، همین که بعضی از پدر و مادرها اصرار دارند که به بچه بفهمانند که اندام تناسلی تو یک عضو خصوصی است و نباید اجازه دهی که این را دیگران ببینند، این "نباید" خیلی کارساز شود؛ یعنی گاهی

اوقات وقتی پدر و مادر همین نباید را برای بچه نهادینه نمی کنند، باعث می شوند که بچه ناخواسته در دام سوءاستفاده جنسی بیفتد» (شجریان، ۱۹ - ۲۰).

در این راستا، ایجاد مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط الزام آور به صورت غیررسمی (الگوهای عرفی) و رسمی (قوانین و مقررات) با هدف ایجاد فضای سلبی و ایجابی کنشگران در سطوح خانواده، سازمان، جامعه و... می تواند در دستور کار قرار بگیرد.

حمایتگرهای ساختاری: در ساده ترین تعریف، ساختار به مثابه یک «کل» انگاشته می شود که متشکل از اجزا و الگوهای ارتباطی است. در این معنا، منظور از ساختارهای اجتماعی، کلیت‌هایی هستند که از طریق منابع و قواعد خویش، فضای زیستی را جهت می دهند. با در نظر گرفتن این ملاحظه می توان دریافت هرگونه نگرش سازی و ایجاد فضای هنجاری در رابطه با امر جنسی، بدون در نظر گرفتن متغیرهای ساختاری، تربیت جنسی را به سرمنزل مقصود نخواهد رساند؛ به بیان دیگر اعمال سیاست‌های آموزشی بدون ایجاد حمایت‌های ساختاری نمی تواند گرهی از مشکلات را در این رابطه بگشاید. «اگر گمان می کنیم که ما مراحل قبلی را نسبت به افراد به تکامل رساندیم و تربیت جنسی به نقطه نهایی خودش رسیده است، این یک تصور غلطی است. نه، من احساس می کنم که این طور نیست. ساختارها باید اصلاح شود. کانت یک جمله معروفی دارد و می گوید که با جمعی از شیاطین می توان یک جامعه خوب را رقم زد؛ یعنی افراد مثبت نیستند، منفی هستند؛ اما جامعه خوب می شود. چطور؟ اصلاح ساختارها... فرض کنید که ما آن مراحل قبلی را طی کردیم و این هنجار را هم در ذهن متربی خودمان نهادینه کردیم که تو باید برای صلاح خودت، گزینه جنسی‌ات را از طریق ازدواج اظفا کنی. به لحاظ فردی، تربیت شکل گرفت؛ اما اگر این آدم که تربیت فردی برای او شکل گرفته، در یک ساختار اجتماعی قرار بگیرد که ازدواج کردن در آن ساختار اجتماعی، قریب به محال است، این تربیت عملاً محقق نمی شود؛ یعنی تمام بافته‌های ما پنبه می شود. الآن آماری که می دهند، می گویند در کشور ما سیزده میلیون جوان مجرد داریم...» (شجریان، ۲۵ - ۲۵).

تغییرات در نظام‌های چهارگانه با هدف کنترل، تعدیل و هدایت نیازهای جنسی



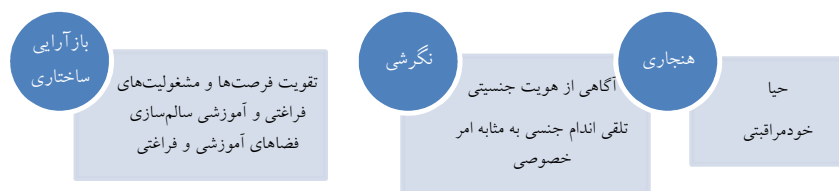
۳-۳. متناسب‌سازی موضوعی الگوی تربیت جنسی با دوره‌های سنی (مراکز پژوهش فرهنگی)

تمامی محتواها، مباحث و سرفصل‌های تربیت جنسی به صورت یکسان مربوط به تمامی گروه‌های سنی نمی‌شود و هر گروه سنی نیازها، ظرفیت‌ها و دغدغه‌های جنسی منحصر به خود را دارد؛ بنابراین تقسیم‌بندی مباحث مربوط به تربیت جنسی باید با سیر طبیعی انسان هماهنگ شود. همچنین با توجه به اینکه تقسیم کار نهادهای تربیتی در کشور اغلب بر مبنای فاکتور «سن» صورت گرفته، به منظور کاستن هزینه‌ها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های چنین ساختار و سازوکاری باید تربیت جنسی نیز با این واقعیت، متناسب‌سازی شود. از سوی دیگر دوره‌های سنی صرفاً پدیده‌های فیزیولوژیک نیستند و حامل مجموعه‌ای از

ویژگی‌های روحی، روانی و اجتماعی‌اند که اقتضانات تربیتی منحصر به خود را دارند؛ از این رو همسو با چنین ملاحظاتی می‌توان سرفصل‌ها و مباحث تربیت جنسی را به مثابه مأموریت در اختیار نهادهای متولی گروه‌های سنی قرار داد. گروه‌های سنی و موضوعات اقتضایی آنها را متناسب با تأکیدات واحدهای تحلیل می‌توان چنین انگاشت:

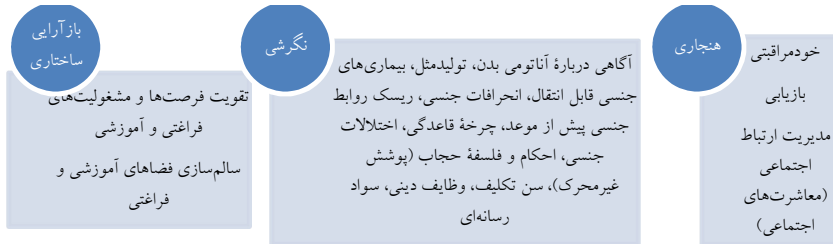
- گروه سنی کودک: طبق بیشتر تعاریف، گروه سنی کودک به بازه سنی پایین‌تر از دوازده سال اطلاق می‌شود. در این دوره به لحاظ ساختاری (عرصه کلان اجتماعی)، باید فرصت‌ها و مشغولیت‌های فراغتی و آموزشی سالم تقویت شود. در سطوح نگرشی روی دو موضوع «آگاهی از هویت جنسیتی» و «تلقی اندام جنسی به مثابه امر خصوصی» تمرکز داشت و به لحاظ هنجاری نیز باید بر حیا و خودمراقبتی تأکید شود.

گروه سنی کودک



- گروه سنی نوجوان: در بیشتر تعاریف به بازه سنی ۱۲-۱۸ سال، گروه سنی نوجوان اطلاق می‌شود. با توجه به شرایط و اقتضانات سنی در سطح ساختاری باید همان فرصت‌ها و مشغولیت‌های فراغتی و آموزشی سالم تقویت شود و در سطح نگرشی بر موضوعاتی همچون آگاهی درباره آناتومی بدن، تولیدمثل، بیماری‌های جنسی قابل انتقال، انحرافات جنسی، ریسک روابط جنسی پیش از موعد، چرخه قاعدگی، اختلالات جنسی، احکام و فلسفه حجاب (پوشش غیرمحرک)، سن تکلیف، وظایف دینی و سواد رسانه‌ای تأکید شود و از سوی دیگر در سطح هنجاری حول خودمراقبتی، توانایی بازیابی خویش (توانایی بازگشت از مسیرهای انحرافی به مسیر سالم) و مدیریت ارتباطات و معاشرت‌های اجتماعی تأکید شود.

گروه سنی نوجوان



- گروه سنی جوان: در اسناد مربوط به شورای عالی جوانان، این گروه شامل طیف سنی ۱۸-۳۵ سال می‌شود. برای این گروه نیز باید مجموعه سیاست‌های سه‌گانه تدوین و اجرایی شود که مطابق با شرایط و اقتضائات روحی، روانی و اجتماعی جوانان است؛ از این رو برای تربیت جنسی سالم باید سه تغییر مثبت در این راستا محقق شود: ۱. بازآرایی ساختاری شامل تقویت فرصت‌ها و مشغولیت‌های فراغتی و آموزشی، تسهیل ازدواج و تشکیل خانواده، تقویت فرصت‌های شغلی، تقویت مراکز مشاوره‌ای حول ازدواج، لحاظ مشوق‌ها و کاهش هزینه‌های اقتصادی فرزندآوری؛ ۲. نگرش‌سازی حول موضوعات و مباحثی چون آشنایی با حقوق و انتظارات نقش‌های خانوادگی، الگوی صحیح همسرگزینی، فرهنگ خانواده، انحرافات جنسی، جهت‌دهی به عشق، عشق انحرافی، امنیت جنسی، اهداف و فواید ازدواج، آداب خواستگاری؛ ۳. تدوین و حمایت‌های هنجاری حول خودمراقبتی، آمیزش جنسی سالم (آداب)، بهداشت جنسی و تقویت لذت جنسی.

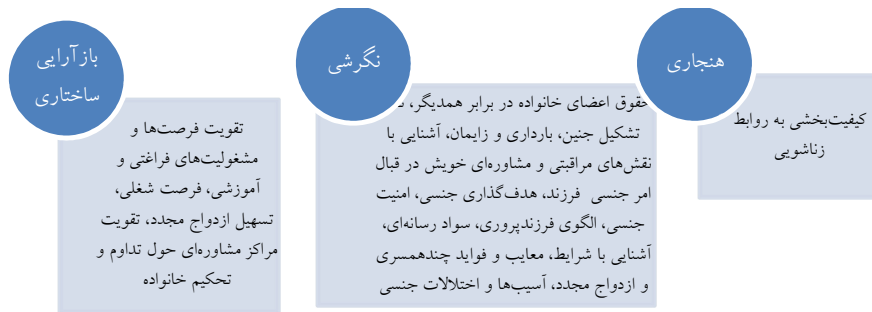
گروه سنی جوان



- گروه سنی بزرگ‌سال: در اغلب تقسیم‌بندی‌ها به گروه سنی بالاتر از ۳۵ سال، بزرگ‌سال اطلاق می‌شود. با توجه به اینکه افراد در این گروه سنی در اوج شکوفایی

و بلوغ هستند و برای خویش نیازها، اقتضائات و مسائلی دارند؛ باید سرفصل‌ها و مباحث با این گروه سنی، متناسب‌سازی شوند. در این خصوص باید مطابق با الگو، سه تغییر کلیدی دنبال شود: ۱. بازآرایی ساختاری حول تقویت فرصت‌ها و مشغولیت‌های فراغتی و آموزشی، فرصت شغلی، تسهیل ازدواج مجدد، تقویت مراکز مشاوره‌ای حول تداوم و تحکیم خانواده؛ ۲. نگرش‌سازی حول حقوق اعضای خانواده در برابر همدیگر، نحوه تشکیل جنین، بارداری و زایمان، آشنایی با نقش‌های مراقبتی و مشاوره‌ای خویش در قبال امر جنسی فرزند، هدف‌گذاری جنسی، امنیت جنسی، الگوی فرزندپروری، سواد رسانه‌ای، آسیب‌ها و اختلالات جنسی؛ ۳. تدوین و حمایت‌های هنجاری حول کیفیت‌بخشی به روابط زناشویی.

گروه سنی بزرگ‌سال



۳-۴. متناسب‌سازی روشی آموزش الگوی تربیت جنسی با دوره‌های سنی (مراکز پژوهش تربیتی)

در یک وضع ایدئال تربیتی، روش‌ها و تکنیک‌های آموزشی باید هماهنگ با محتوایی باشد که برای یک گروه سنی متناسب‌سازی شده است. از سوی دیگر ادبیات و سازوکارهای اقناعی نیز باید با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی متناسب باشد؛ از این رو می‌توان مطابق با آرای واحدهای تحلیل، چنین استنتاج کرد که روش آموزش الگوی تربیت جنسی باید از دو جهت با ویژگی‌های گروه‌های سنی، منطبق‌سازی شوند:

بهره‌گیری از مضامین، الفاظ و منابع بومی و دینی در فرایند تولید و آموزش محتواهای تربیت جنسی: با توجه به حساسیت‌های فرهنگی و عرفی که در این خصوص در جامعه وجود دارد، به منظور حساسیت‌زدایی و مشروعیت‌بخشی به مبحث باید

از شگردها و سازوکارهایی بهره برد؛ از جمله: پیشبرد اهداف تربیت جنسی در مدارس نه با عنوان آموزش جنسی «به خصوص در مقطع کودکی و نوجوانی هیچ نیازی به این نیست که شما واژه جنسی را به کار ببرید و لزومی ندارد. بیشتر باید روش‌های غیرمستقیم باشد» (فقیهی).

متناسب‌سازی روش‌ها و تکنیک‌های آموزشی با اقتضائات روحی، روانی و شناختی گروه‌های سنی گوناگون: به این معنا که محتواهای تعبیه‌شده برای گروه سنی باید با روش‌ها و تکنیک‌های اقتضایی یادگیرنده هماهنگ باشد؛ برای نمونه به کارگیری روش‌های غیرمستقیم برای دوره سنی کودک و در نقطه مقابل، کاربرد روش‌های آموزشی مستقیم برای دوره سنی جوان و بزرگ‌سال باید در کانون توجه باشد.

۳-۵. انسجام‌بخشی و تقسیم‌کار نهادی حول تربیت جنسی

بر کسی پوشیده نیست که صرف تبیین الگوی نظری برای عرصه‌ای - بدون تدوین سازوکارهای عملیاتی - کافی نخواهد بود. همچنان‌که در بخش تبیین اشاره شد، یکی از کانونی‌ترین موانع تربیت جنسی نبود انسجام ساختاری و نهادی در این خصوص است؛ بنابراین مدیریت کارآمد و منسجم این عرصه می‌تواند ضمن پرورش نیاز جنسی در مسیر فطری و طبیعی به کاهش چشمگیر الگوهای انحرافی جنسی در جامعه یاری رساند. با توجه به تعدد نهادهای تربیتی از یک سو و بی‌توجهی به این عرصه از جانب همین نهادها در کنار اقدامات جزیره‌ای و سلیقه‌ای مسئولان می‌طلبد که فضای یادشده مدیریت شود.

در رابطه با سازوکار و چگونگی دستیابی به راهبرد مدیریت نظام‌مند تربیت جنسی واحدهای تحلیل هر کدام به بخشی یا زاویه‌ای اشاره کرده‌اند که در متن پیش‌رو سعی می‌شود سیمایی از این چگونگی‌ها و سازوکارهای نهادی ارائه شود:

خانواده به عنوان نهاد اصلی تربیت جنسی: دیدگاه اغلب واحدهای تحلیل در تربیت جنسی حول خانواده شکل گرفته است. در این دیدگاه، تمامی نهادهای ثانوی باید به مثابه بازو و حمایتگر خانواده در حصول به چنین اهدافی، نقش ایفا کنند (شجریان، زیبایی‌نژاد، حسینی)؛ بنابراین «آن الگویی که هست، باید توسط خانواده اجرا شود و توسط خانواده اتفاق بیفتد. تمام آن مجری‌ها و سیاست‌گذاران باید تمام تلاششان را برای حمایت از خانواده بگذارند؛ ولی حمایت با حرف نباشد، حمایت جدی و حمایت درست باشد» (حسینی).

شورای عالی انقلاب فرهنگی و قوه مقننه با هماهنگی همدیگر، زیرساخت‌های حقوقی الگوی تربیت جنسی را با هدف تقسیم کار نهادی فراهم کنند. رهاورد چنین سازوکاری، تعبیه شیوه‌ها و الگوهای ثابت آموزش جنسی خواهد بود و از تک‌روی‌ها و اقدامات مقطعی و سطحی پرهیز می‌شود و از سوی دیگر در این راستا، مسئولیت‌ها مشخص می‌شود یا مسئول‌سازی اتفاق می‌افتد (فقیهی).

بهره‌گیری از **دانشگاه و حوزه علمیه** به منظور تولید و تهیه منابع معرفتی و پژوهشی مرتبط با تربیت جنسی که در این راستا به‌روزرسانی فقه می‌تواند در دستور کار قرار گیرد (ایزدیان، نائینی، رسول‌زاده و شجریان).

ایجاد سازوکاری برای سنجش اقدامات و فعالیت‌های معطوف به مسئولیت‌های محول‌شده به نهادهای مرتبط (رسول‌زاده و کجیاف).

سوق دادن **رسانه** به تبلیغ و مجاب‌سازی اقشار اجتماعی گوناگون با تولید و انتشار محصولات مرتبط با گروه‌های مختلف سنی (فیلم، مستند، انیمیشن و...) که لازمه آن هم تهیه و تدوین یک سیاست مورد وفاق در خصوص رسانه از جانب عوامل ناظر است (ایزدیان، شجریان، فقیهی و حسینی).

تعریف **آموزش و پرورش و رسانه** به عنوان دو بال مهم خانواده در راستای تربیت جنسی و هماهنگی بین نهادهای یادشده (ایزدیان و حسینی).

اما بر کسی پوشیده نیست که امروزه ناگزیر و به صورت اجتناب‌ناپذیر، بخش وسیعی از نقش‌های خانواده در حیطه تعلیم و تربیت به نهادهای رسمی و ثانوی واگذار شده است. از سوی دیگر خانواده عصر صنعت، خانواده‌ای پرمشغله و فاقد پیش‌نیازهای تربیتی است؛ از این‌رو برای استفاده از این ظرفیت‌های حداقلی خانواده و همچنین بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادهای ثانوی، راهبرد ذیل می‌تواند کارآمدترین باشد:

تشکیل وزارت خانواده و تعریف آن به عنوان متولی تربیت جنسی شهروندان

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی هرستانی، اصغر؛ «واکاوی برنامه درسی مغفول در تربیت جنسی دانش آموزان پسر»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی، به راهنمایی بهروز مهram، ۱۳۹۱.
۲. ابراهیمی، سارگل؛ «تربیت جنسی دانشجویان دختر و نقش آن در ورود به روابط قبل از ازدواج»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی کیومرث فرح بخش، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۸.
۳. احمدی، علی اصغر؛ «روان شناسی تربیت جنسی کودک و نوجوان»؛ رشد آموزش مشاور مدرسه، ش ۴۶، ۱۳۹۶، ص ۴-۱۱.
۴. اسلامی، رضا و سارا میریان؛ «بردگی جنسی کودکان و سازوکار مقابله با آن در نظام حقوقی بین الملل»؛ پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱۱، ۱۳۹۴، ص ۷-۳۶.
۵. اسماعیلی، حسین؛ «تأثیر نوع محتوای آموزشی در تربیت جنسی بر نگرش مثبت به خویشتن داری جنسی دانش آموزان پسر متوسطه دوم»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی سعیدی رضوانی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۴.
۶. اصغری نکاح، سیدمحسن و زهرا مهاجر بعد؛ «کاوشی کیفی در عوامل سوق دهنده دختران نوجوان به خودارضایی از منظر الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد»؛ خانواده و سلامت جنسی، ش ۲، ۱۳۹۹، ص ۷-۱۶.
۷. افشاری، محمدحسین؛ «تربیت جنسی کودک در روایات اهل بیت (علیهم السلام)؛ حدیث و اندیشه، ش ۲۰، ۱۳۹۴، ص ۷۴-۹۲.
۸. امینی، محمد و محمدرضا تمنایی فر و رقیه پاشایی؛ «بررسی ضرورت وجودی و چگونگی توجه به تربیت جنسی در برنامه درسی مقطع متوسطه از دیدگاه دبیران و دانش آموزان»؛ پژوهش های برنامه درسی، ش ۱، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹-۲۰۲.
۹. انوشه، منیره و شمس الدین نیکنامی و رضا توکلی و سقراط فقیه زاده؛ «بررسی مقدماتی آموزش بلوغ در دختران نوجوان: یک پژوهش کیفی»؛ اندیشه و رفتار، ش ۳۴، ص ۶۴-۷۰.
۱۰. باباخانی، سجاده؛ «بررسی عوامل آسیب زا در تعلیم و تربیت دینی دانش آموزان از دیدگاه مدیران مدارس متوسطه شهر کرمانشاه»؛ کنگرة بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳.

۱۱. بازیار، بدرالسادات و علی‌رضا دهقانی؛ «نقش خانواده و جامعه در تربیت جنسی کودکان و نوجوانان»؛ *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۲، ۱۳۹۵، ص ۴۶-۵۳.
۱۲. باقری، ناصر؛ «تربیت جنسی کودکان توسط والدین»؛ *آسیب‌های اجتماعی کودکان و نوجوان*، ش ۳۲، ۱۳۹۹، ص ۲۷-۴۲.
۱۳. بخشی، افسر؛ «نگاهی بر تربیت جنسی فرزندان»؛ *فقه و حقوق خانواده*، ش ۴، ۱۳۷۵، ص ۶۶-۷۰.
۱۴. بلندهمتان، کیوان؛ «بازنمایی تجربه زیسته والدین از چگونگی آموزش اخلاق جنسی به فرزندان خود»؛ *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش ۴، ۱۳۹۳، ص ۷۱۹-۷۳۸.
۱۵. بیگی، محمدرضا؛ «طراحی الگوی مطلوب برنامه‌دستی تربیت جنسی در دوره ابتدایی»؛ *روان‌شناسی تربیتی*، ش ۴۵، ۱۳۹۶، ص ۲۱-۳۹.
۱۶. پازنگ، مریم؛ «امکان‌سنجی کاربرد مؤلفه‌های تربیت جنسی در برنامه‌دستی دوره ابتدایی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محبوبه خسروی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۶.
۱۷. پناهی، علی‌احمد؛ «مهم‌ترین آسیب جنسی دوران نوجوانی و راهکار پیشگیری و درمان»؛ *مجله معرفت*، ش ۱۱۲، ۱۳۸۶، ص ۲۹-۵۴.
۱۸. تربتی، سروناز و همکاران؛ «مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تأکید بر روابط میان‌فردی با والدین»؛ *مطالعات جامعه‌شناسی*، ش ۴۵، ۱۳۹۸، ص ۷۷-۱۰۴.
۱۹. ثابت، حافظ؛ «درآمدی بر تربیت جنسی در نهج‌البلاغه»؛ *فصلنامه تربیت اسلامی*، ش ۴، ۱۳۷۹، ص ۵۹۳-۶۲۰.
۲۰. جابرزاده انصاری، شقایق؛ «اثر بخشی تربیت جنسی کودکان بر افزایش دانش و نگرش جنسی مادران و دانش‌افزایی کودکان در پیشگیری از سوءاستفاده جنسی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی طیبه زندی‌پور، دانشگاه الزهراء ع.ت.ج.، ۱۳۹۴.
۲۱. حاجی‌پور، حامد؛ «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش ایران (وضعیت موجود) مبتنی بر اسناد مکتوب»؛ *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۱، ۱۳۹۷، ص ۱-۲۴.
۲۲. حاجی‌پور، حامد؛ «تحلیل گفتمان انتقادی تربیت جنسی در نظام آموزش و پرورش

- ایران»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی رمضان برخورداری، دانشگاه خوارزمی، ۱۳۹۵.
۲۳. حاجی‌زاده، مرتضی و همکاران؛ «طراحی الگوی اسلامی تربیت جنسی برای کودکان با رویکرد فقهی»؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۵۲، ۱۴۰۰، ص ۲۹۱-۳۱۳.
۲۴. حسین‌زاده باردئی، خدیجه و سیداحمد موسوی باردئی؛ «مروری بر مقالات نگاشته‌شده در تربیت جنسی فرزندان از دیدگاه اسلام»؛ مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ش ۱، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱-۱۳۴.
۲۵. حیدری‌نیا، علی؛ «تحلیل عاملی عوامل آسیب‌زای تربیت دینی دانش‌آموزان مدارس دبیرستان (مطالعه موردی زاهدان)»؛ کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۳.
۲۶. خادم قائمی، مصطفی؛ «راهکارهای رسانه ملی برای تربیت جنسی نوجوانان با رویکرد اسلامی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدمهدی لیبی، دانشگاه صداوسیما، ۱۳۹۶.
۲۷. خدمتیان، محمد؛ «بررسی دیدگاه‌های اندیشمندان اسلامی پیرامون تربیت جنسی»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، به راهنمایی محمد مزیدی، ۱۳۹۰.
۲۸. رحمانی، احسان و همکاران؛ «طراحی بسته آموزشی تربیت جنسی نوجوانان مبتنی بر فرهنگ ایرانی و اثربخشی آن بر خودکارآمدی اجتماعی و خطرپذیری جنسی در دانش‌آموزان دختر متوسطه اول»؛ علوم روان‌شناختی، ش ۷۰، ۱۳۹۷، ص ۷۳۵-۷۴۴.
۲۹. رشید، خسرو و مریم حسینی اصل؛ «بررسی تأثیر آموزش جنسی بر دانش جنسی والدین و احساس کفایت آنان»؛ آموزش و ارزشیابی، ش ۳۷، ۱۳۹۶، ص ۱۴۳-۱۶۲.
۳۰. رضازاده، فاطمه‌بیگم؛ «مسائل جنسی کودکان و نوجوانان»؛ مجله تربیت، ش ۶۶، ۱۳۷۰، ص ۴۸-۵۱.
۳۱. زنداویان، احمد و صادق شمشادی؛ «ابعاد و مراحل تربیت جنسی دختران و زنان از نظر اسلام»؛ مجله بانوان شیعه، ش ۲۵، ۱۳۸۹، ص ۶۵-۹۸.
۳۲. سحابی‌نژاد، مهدی و رضا همایی؛ «بررسی تحلیلی سبک تربیت جنسی خانواده‌های شهر تهران»؛ پژوهش‌های مشاوره، ش ۲۱، ۱۳۸۶، ص ۲۷-۴۸.
۳۳. سعیدی، علی؛ «استثمار جنسی کودکان و نوجوانان با استفاده از اینترنت»؛ مجله پیوند،

- ش ۳۰۷، ۱۳۸۴، ص ۳۸-۴۲.
۳۴. سلحشور، ماندانا؛ «اهمیت تربیت جنسی کودکان و نوجوانان در خانواده»؛ مجله پیوند، ش ۳۱۵، ۱۳۸۴، ص ۴۰-۴۵.
۳۵. سوری، میثم؛ «پیشگیری و درمان انحراف جنسی دوران بلوغ با رویکرد اسلامی»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسین رکن‌الدینی، دانشگاه معارف، ۱۳۹۵.
۳۶. صادقی، محمدجواد؛ «نقش خانواده در تربیت جنسی کودکان»؛ پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، ش ۳۰، ۱۳۹۸، ص ۴۵-۷۰.
۳۷. طاووسی، سمیرا؛ «اثربخشی آموزش مؤلفه‌های تربیت جنسی به مادران بر اضطراب دختران پایه پنجم و ششم، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی عبدالله شفیع‌آبادی، دانشگاه علامه، ۱۳۹۴.
۳۸. علی‌اکبری دهکردی، مهناز و طیبه محتشمی؛ «بررسی خصوصیات روان‌سنجی مقیاس نقش جنسی کودکان در جمعیت ایرانی»؛ شناخت اجتماعی، ش ۵، ۱۳۹۳، ص ۷-۱۵.
۳۹. عمیدی مظاهری، مریم؛ «دیدگاه‌های مادران در مورد مسائل رفتارهای جنسی دختران»؛ تحقیقات علوم رفتاری، ش ۵، ۱۳۸۴، ص ۵۵-۶۰.
۴۰. عنایت‌الله، سهیل؛ پرسش از آینده پژوهی به مثابه ابزار تحول سازمانی و اجتماعی؛ ترجمه مسعود منزوی: تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۸ «ب».
۴۱. عنایت‌الله، سهیل؛ تحلیل لایه به لایه؛ تهران: مرکز آینده پژوهی مرکز آموزشی دفاعی، ۱۳۸۸ «الف».
۴۲. فرع شیرازی، مصطفی؛ «بررسی تربیت جنسی در آموزه‌های فقهی»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی‌رضا عابدی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۹۳.
۴۳. فرمهبینی فراهانی، محسن؛ «محتوای مناسب برای تربیت جنسی در کتب درسی دوره متوسطه»؛ مجله دانشور رفتار، ش ۹، ۱۳۸۳، ص ۱-۱۴.
۴۴. فقیهی، علی‌نقی و یکتا شکوهی؛ «آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان‌شناختی»؛ تربیت اسلامی، ش ۷، ۱۳۸۷، ص ۵۱-۸۰.
۴۵. فیاض، ایراندخت و مریم بختیاروند؛ «هرزه‌نگاری: چالشی فراروی تربیت جنسی از دیدگاه اسلام»؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۳۹، ۱۳۹۷، ص ۷۵-۱۰۵.

۴۶. قائمی، علی؛ «لغزش‌های جنسی کودکان و نوجوانان»؛ مجله پیوند، ش ۷۰، ۱۳۶۴، ص ۶-۹.
۴۷. قلاوند، زهره؛ «شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی»؛ پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ش ۶۷، ۱۳۹۹، ص ۱۱۱-۱۲۹.
۴۸. قلتاش، عباس و صدیقه محمدجانی؛ «طراحی چارچوب برنامه درسی تربیت جنسی بر اساس مبانی تربیت اسلامی»؛ مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۸، ۱۳۹۷، ص ۱۰۱-۱۳۰.
۴۹. قنبری، علی‌اله؛ «بررسی موضوع مهاجرت به تهران با استفاده از روش تحلیل لایه لایه علی»؛ آینده‌پژوهی مدیریت، ش ۱۰۲، ۱۳۹۴، ص ۲۷-۴۰.
۵۰. کریمی، یوسف؛ نگرش و تغییر نگرش؛ چ ۷، تهران: نشر ارسباران، ۱۳۸۸.
۵۱. گلی، فاطمه؛ «اثربخشی آموزش جنسی کودکان بر افزایش آگاهی، نگرش و عملکرد جنسی مادران در شهرستان کرج»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی ناصر محمدی احمدآبادی، دانشگاه تفت، ۱۳۹۶.
۵۲. متقی‌فر، غلام‌رضا؛ «آموزش جنسی در مدارس»؛ مسائل کاربردی در تعلیم و تربیت، ش ۸، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱-۱۶۴.
۵۳. متقی‌فر، غلام‌رضا؛ «کاوشی در باب آموزش جنسی در مدارس»؛ معرفت، ش ۴۲، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶-۱۲۰.
۵۴. محمدجانی، صدیقه و محمدحسین یارمحمدیان؛ «الگوی برنامه درسی تربیت جنسی برای دوره نوجوانی بر اساس مبانی قرآن و روایات»؛ رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ش ۲۷، ۱۳۹۵، ص ۱۹-۴۳.
۵۵. محمدی، علی؛ «میزان توجه به مؤلفه‌های تربیت جنسی در برنامه درسی دین و زندگی دوره متوسطه»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی عباس قلتاش، دانشگاه آزاد مرودشت، ۱۳۹۰.
۵۶. محمدی‌پناه، شیرین؛ «مؤلفه‌های تربیت جنسی کودک از منظر فقه تربیتی»؛ پژوهش‌های اخلاقی، ش ۴۴، ۱۴۰۰، ص ۲۲۳-۲۴۲.
۵۷. مدنی، آزاده؛ «آسیب‌شناسی تربیت دینی»؛ کتاب نقد، ش ۴۲، ۱۳۸۶، ص ۱۲۹-۱۵۴.
۵۸. مزیدی، محمد و محمد خدمتیان؛ «ارائه الگوی تربیت جنسی با تأکید بر دیدگاه‌های

- اندیشمندان مسلمان»؛ مجله تربیت، ش ۲۵، ۱۳۹۶، ص ۱۶۱-۱۸۳.
۵۹. معزی، زهرا؛ «آموزش مسائل جنسی بر کودکان ابتدایی»؛ فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، ش ۴، ۱۳۹۸، ص ۱۵-۲۸.
۶۰. مقدادی، محمدمهدی و مریم جوادپور؛ «پیشگیری از آسیب‌های جنسی کودکان در اسلام»؛ اخلاق زیستی، ش ۲۳، ۱۳۹۶، ص ۶۲-۷۷.
۶۱. نادری، نگین و همکاران؛ «تجربه زیسته مادران از تربیت جنسی کودکان پیش از دبستان»؛ فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ش ۵۴، ۱۴۰۰، ص ۱۱۳-۱۳۴.
۶۲. نصیری، یوسف؛ «آسیب‌شناسی تربیت جنسی از دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی مرودشت»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی ابراهیم میرشاه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۸.
۶۳. یاری دهنوی، مراد و فاطمه ابراهیمی شاه‌آبادی؛ «پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان»؛ علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ش ۷، ۱۳۹۵، ص ۹۵-۱۱۴.
۶۴. یزدانی، سمیه؛ «اثربخشی آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی و عزت‌نفس جنسی کودکان»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی نادره سهرابی، دانشگاه مرودشت، ۱۳۹۷.
65. Inayatullah, Sohail (ed.); *The Causal Layered Analysis (CLA) Reader: Theory and Case Studies of an Integrative and Transformative Methodology*; Tamkang University Press, 2004.
66. Hoffman, K. L., D. H. Demo & J. N. Edward; "Physical Wife Abuse in Non-Western Society: An Integreted Theoretical Approach"; *Journal of Marriage and the Family*, n.56, 1994.
67. Inayatullah, Sohail; "Causal Layered Analysis Defined"; *The Futurist*, v.48, n.1, 2014.